

تحلیل محتوای قرآن کریم بر اساس مفهوم تفکر انتقادی^۱

فرامرز محمدی پویا (بیجنوند)^۲
اکبر صالحی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی مصادیق تفکر انتقادی در قرآن کریم است که برای دستیابی به آن از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. بدین ترتیب، ابتدا، با مطالعه نظری به تحلیل تفکر انتقادی و تبیین مؤلفه‌های آن پرداخته و سپس محتوای قرآن کریم برای بررسی مصادیق تفکر انتقادی در آن تحلیل شده است. بدین منظور کل آیات قرآن کریم بررسی و مواردی که مضامین مرتبط با مؤلفه‌های تفکر انتقادی داشتند شناسایی شده است. سپس موارد مذکور با دو موقعیت از جمله شماره آیه و زمینه مصداقی در فرم تحلیل محتوا قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش به تبیین مؤلفه‌های نه‌گانه‌ای برای تفکر انتقادی انجامید که عبارت است از: پرسش‌گری، قضاوت با معیار، استدلال، تجزیه و تحلیل، بی‌طرفی، روشمندی، عینیت‌گرایی، حقیقت‌جویی و انعطاف‌پذیری. در نهایت، برای هر یک از مؤلفه‌ها، مصادیقی از قرآن کریم استخراج شد. نتایج پژوهش حاکی از تأکید قرآن کریم بر همه مؤلفه‌های تفکر انتقادی به‌ویژه مؤلفه پرسش‌گری است.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، تفکر انتقادی، تحلیل محتوا، پرسش‌گری

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۲۳؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۹/۵

muhammadipouya@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسؤل)

salehihidji2@yahoo.com

۳- استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی

مقدمه

اصولاً تفکر و اندیشه سرآغاز هرگونه تولید و ساخت‌وسازی در عالم انسانی است. شاید به همین دلیل است که همه انسان‌ها در طول تاریخ به این ویژگی انسانی و محصول مستقیم آن یعنی دانایی این همه توجه نشان داده است. پیغمبران، اندیشه‌شناسان، معرفت‌شناسان، علماء، فلاسفه، عرفا و ادبا همه به اهمیت اندیشه اقرار کرده‌اند. در اسلام گفته شده یک ساعت تفکر مهم‌تر از هفتاد سال عبادت است. دانایی برای سقراط به قدری اهمیت دارد که وی خود را فیلسوف یعنی دوستدار دانایی می‌داند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۸). به همین سیاق، افلاطون نیز والاترین فضیلت و هنر اخلاقی را رسیدن به دانایی می‌داند و به همین دلیل، تربیت در درجه نخست، روکردن به فهم و شناسایی است (همو، ۱۳۸۵، ص ۱۹). این که مولوی می‌گوید "ای برادر تو همه اندیشه‌ای" و جمله معروف دکارت "من فکر می‌کنم پس هستم" همه نشان‌دهنده نقش پراهمیت اندیشه بوده است. به همین ترتیب، در دنیای صنعت و تولید خدمات نیز نقش اندیشه مهم‌تر شد و در تاریخ ملت‌ها و زندگی انسان‌ها به‌عنوان ثروت اصلی معرفی شد (دیونو،^۱ ۱۳۸۴، ص ۵).

۱- تبیین مسأله

صاحب‌نظران جنبه‌های مختلفی برای تفکر در نظر می‌گیرند (منطقی، تحلیلی، شهودی، انتقادی، خلاق) که یکی از این جنبه‌ها تفکر نقادانه یا انتقادی است. ریشه کلمه انتقاد نقد است. نقد در همه زبان‌های اروپایی، البته با کمی تفاوت، با لغت "کریتیک"^۲ شناخته می‌شود که از واژه یونانی "کریتیس"^۳ مشتق شده و برای خود یونانیان معنایی چون "جداسازی"، "داوری" و یا حتی "دادرسی" نیز داشته است (بیجنوند، ۱۳۹۰، ص ۵۰). دیان هالپرن^۴ معتقد است تفکر انتقادی عبارت است از کاربرد مهارت‌های شناختی یا استراتژی‌هایی که احتمال حصول به پیامدهای مطلوب را افزایش می‌دهند. این نوع از تفکر منطقی، منظم و هدف‌دار است و شامل حل مسأله، فرمول‌بندی نتایج، محاسبه احتمالات و تصمیم‌گیری می‌شود (پاپاستفانلو،^۵ ۲۰۰۴). می‌توان گفت تفکر انتقادی به معنای تفکر اندیشمندانه و منطقی است که بر تصمیم‌گیری برای انجام عملی یا باور آن متمرکز است. از

1- Edward de Bono

4- Critic

5- Crites

4- Diana .H

5- Papastephanlou

این اصطلاح این روزها بسیار استفاده می‌شود (انیس^۱، ۲۰۰۲). تفکر انتقادی مهارت‌های فکری و ذهنی پیشرفته‌ای چون تأمل، اندیشه‌ورزی، استدلال، استنباط و ارزشیابی را دربرمی‌گیرد (معروفی و دیگران، ۱۳۸۸). پائول (۱۹۹۲) معتقد است که تربیت انسان‌های صاحب‌اندیشه و ذهن کاوشگر باید نخستین هدف و محصول نهایی تعلیم و تربیت باشد. همچنین تفکر انتقادی صرفاً یکی از اهداف تعلیم و تربیت نیست، بلکه هدف اساسی آن است. بر این اساس، پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی یکی از اهداف بنیادی نظام‌های آموزشی اعم از مدارس و دانشگاه‌هاست (دیناروند و ایمانی، ۱۳۸۷) و یکی از مفاهیم مهمی است که در حوزه تعلیم و تربیت جایگاه خاصی دارد (نصرآبادی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۷). گیلفورد و دیگران (۲۰۰۴) معتقدند که ضرورت پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی از طریق برنامه درسی به یکی از عمده‌ترین مقاصد تربیتی درباره ناتوانی فراگیران در امر تفکر انتقادی ابراز نگرانی کرده‌اند (بیجنوند، ۱۳۹۰). هیئت‌های ملی خاص رسیدگی به کیفیت نظام آموزشی به ناتوانی نظام‌های آموزشی در پرورش تفکر انتقادی اذعان می‌کنند و خواهان گنجاندن آموزش تفکر انتقادی، به‌عنوان چهارمین عنصر آموزش پایه و اساسی (پس از خواندن، نوشتن و حساب‌کردن)، در برنامه‌های درسی هستند. همچنین، همه نظام‌های دانشگاهی معتقدند که پیش از فارغ‌التحصیل شدن گذراندن دروسی در این زمینه برای دانشجویان لازم است؛ زیرا به‌زعم هاتچر و اسپنسر (۲۰۰۵) در دنیای امروز، بیش از هر زمان دیگری، کسب مهارت‌های تفکر انتقادی برای رویارویی با پرسش‌های مادی و معنوی و در نهایت مواجهه با مشکلات اجتماعی به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است.

از سوی دیگر، با توجه به نقش انسان‌ساز قرآن کریم و همچنین با توجه به فلسفه و ارزش‌های اسلامی فرهنگ و جامعه ما، این منبع دینی بی‌گمان یکی از مهم‌ترین منابع اثرگذار در تعلیم و تربیت جوامع است که در آیات بی‌شماری جامعه بشری را به تعقل، تفکر و تدبیر فرامی‌خواند. با دقت نظر به نقش تعلیمی و آموزشی قرآن کریم، در مسیر سعادت بشری، و نیز با توجه به ضرورت پرورش مهارت تفکر انتقادی^۲ در دنیای امروز (آندولینا^۳، ۲۰۰۱) این پژوهش قصد دارد به بررسی مفهوم تفکر انتقادی و استخراج مؤلفه‌های آن با توجه به اندیشه‌های صاحب‌نظران در این زمینه بپردازد و سپس مصادیق تفکر انتقادی را در قرآن کریم بررسی کند تا بدین‌وسیله به مجریان تعلیم و تربیت برای

1- Ennis

2- Critical Thinking

3- Andolina

بهره‌گیری بیشتر از آیات قرآن کریم در پرورش مهارت تفکر انتقادی در نظام تعلیم و تربیت جوامع انسانی و به‌ویژه اسلامی یاری رساند.

در پژوهش‌هایی که درباره تفکر انتقادی صورت گرفته بر اهمیت پرورش آن تأکید شده است. در پژوهش هاشمیان‌نژاد (۱۳۸۰) با عنوان «ارائه چارچوب نظری درخصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تأکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی» هشت مهارت سؤال کردن، تحلیل کردن، ارزیابی، ارتباط دادن، استدلال کردن، سازماندهی مفاهیم علمی مربوط، کاربرد واژگان انتقادی، و فراشناخت برای تفکر انتقادی در نظر گرفته شده است. نوشادی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی گرایش دانشجویان رشته‌های علوم انسانی به تفکر انتقادی: ارائه چارچوب مفهومی برای پرورش تفکر انتقادی دانشجویان علوم انسانی» گرایش به تفکر انتقادی را در چهار مؤلفه نوآوری، بلوغ فکری، اشتغال ذهنی و ذهن باز بررسی و مطالعه کرده است. بفاکون (۱۹۹۰) پژوهشی با عنوان «رسیدن به یک مفهوم‌سازی مشترک در مورد تفکر انتقادی»، براساس تکنیک دلفی، به‌صورت بین‌رشته‌ای انجام داده که چهل و شش متخصص تفکر انتقادی در آن شرکت داشته‌اند. یافته‌ها توافقی مفهومی را در مورد تفکر انتقادی نشان می‌دهد که دو بعد گرایش عاطفی و مهارت‌شناختی دارد. در این مطالعه جستجوی حقیقت، داشتن ذهن باز، تحلیلی بودن، سیستماتیک بودن، کنجکاوی، اعتماد به خود، به بعد عاطفی تفکر انتقادی مربوط بود، و فرایندهای شناختی مانند مشاهده شواهد، انتخاب اطلاعات مرتبط، تمایز بین حقایق مربوط و نامربوط، تحلیل و بررسی اعتبار منابع جزء مهارت‌های شناختی تفکر انتقادی بود (دام و وولمن، ۲۰۰۴).

ریچارد پائول و لیندا الدر (۲۰۰۱) نیز در تحقیق خود به «بررسی ملاک‌هایی در افراد متفکر منتقد» پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ملاک‌های مهم برای فردی که تفکر انتقادی را در خود به‌خوبی پرورش داده است عبارت است از:

- ۱- پرسش‌ها و مسائل ضروری را مطرح و به‌صورت واضح و دقیق تنظیم می‌کند؛ ۲- اطلاعات مربوط را جمع‌آوری و ارزیابی می‌کند و از باورهای انتزاعی برای تفسیر آن‌ها بهره می‌گیرد؛ ۳- به نتایج و راه‌حل‌های مستدل می‌رسد و آن‌ها را با ملاک‌ها و استانداردهای مربوط می‌آزماید؛ ۴- با فکر باز و روشن در نظام‌های مختلف فکری تفکر می‌کند و فرضیه‌ها و نتایج کاربردی آن‌ها را تشخیص می‌دهد و ارزیابی می‌کند؛ ۵- برای به‌دست آوردن راه‌حل مشکلات پیچیده از ارتباط با دیگران بهره می‌گیرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود تا به حال پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای قرآن کریم بر اساس مفهوم تفکر انتقادی صورت نگرفته است.

۲- روش پژوهش

روش این پژوهش تحلیل محتواست. بدین ترتیب، ابتدا، با مطالعه نظری به تحلیل تفکر انتقادی و تبیین مؤلفه‌های آن پرداخته و سپس محتوای قرآن کریم برای بررسی مصادیق تفکر انتقادی در آن تحلیل شده است. بدین منظور کل آیات قرآن کریم بررسی و مواردی که مضامین مرتبط با مؤلفه‌های تفکر انتقادی داشتند شناسایی شده است. سپس موارد مذکور با دو موقعیت شماره آیه و زمینه مصداقی در فرم تحلیل محتوا قرار گرفته است.

۳- یافته‌ها

یافته‌های مقاله در دو بخش مؤلفه‌های مشترک تفکر انتقادی از دیدگاه صاحب‌نظران آن و نیز مصادیق تفکر انتقادی در قرآن کریم بیان می‌شود.

۱-۳. مؤلفه‌های تفکر انتقادی

در این بخش به بررسی دیدگاه صاحب‌نظران درباره تفکر انتقادی می‌پردازیم. همچنین به منظور نظم‌بخشیدن به مباحث در جدول شماره ۱ دیدگاه‌ها را بیان می‌کنیم و در ادامه مؤلفه‌های اساسی تفکر انتقادی را تبیین می‌کنیم.

جدول ۱. مفهوم تفکر انتقادی

صاحب‌نظران	مفهوم تفکر انتقادی
سقراط	- مطرح کردن پرسش‌های پرمعنا (شهبازی، ۱۳۸۴) - روش گفتگوی اکتشافی (جانسون، ۲۰۰۲) - تحلیل و ارزیابی؛ "زندگی ارزیابی نشده ارزش زیستن ندارد." (عباسی یادگوری، ۱۳۸۱) بررسی خود و دیگران در مسیر جستجوی حکمت (شاقول و محسنی، ۱۳۸۸)
افلاطون	روشن‌اندیشی (ویل دورانت، ۱۳۸۰)
ارسطو	باریک‌بینی، و باصراحت جزئیات را مورد توجه قرار دادن، دانستن این که چگونه باید سؤال کرد (توانایی درست و شفاف پرسیدن)، عبرت‌گرفتن از تحلیل تجربیات گذشته (همان‌جا)
کانت	- کریتسیسیسم مقابل دگماتیسیسم (شاقول و محسنی، ۱۳۸۸) - قوه‌ای اصلی و بنیادین برای تعیین محدودیت‌ها و امکانات شناختی ما (کاسیرر، ۱۳۷۰) شناخت حدود و مرز توانایی‌های فاعل ادراک (شاقول و محسنی، ۱۳۸۸)

1- Criticism

2- Dogmatism

دکارت	خودداری از شتابزدگی و رهایی از پیش‌داوری و پذیرفتن آنچه روشن و متمایز به اندیشه درآید، تقسیم‌کردن یک مشکل به اجزای آن برای حل ساده‌تر آن، نظم در اندیشه‌ها و حرکت از ساده‌ترین موضوعات به‌سوی پیچیده‌ترین آن‌ها (تقیب‌زاده، ۱۳۸۱)
راسل ^۱	- تردید سازنده - تأکید بر قضاوت درست (ویل دورانت، ۱۳۸۰)
هالونن ^۲	مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی (هالونن، ۱۹۹۵)
فیشر ^۳	تفسیر، تجزیه و تحلیل، ارزیابی نظرها و بحث‌ها (فیشر، ۲۰۰۱)
استونر	استنباط، تحلیل، ارزشیابی، استدلال استقرایی، استدلال قیاسی (شریعت‌مداری، ۱۳۷۸)
اودی ^۴	مباحثات دقیق، بیان مثال‌های ظریف، پردازش معادلاتی شفاف (اودی، ۲۰۰۲)
مایرز ^۵	توانایی طرح پرسش‌های مرتبط، نقد و بررسی راه‌حل‌ها بدون مطرح‌کردن جایگزین‌ها، قدرت تنظیم کلیات (توانایی ایجاد یک چهارچوب تحلیلی)، پذیرفتن احتمالات جدید (پرهیز از پیش‌داوری‌ها)، متوقف‌کردن داوری (تردید سالم، پرهیز از تعجیل در قضاوت)، شناسایی استدلال‌های غلط، پرهیز از تناقضات و مفروضات اظهارشده و اظهارنشده در بحث‌های دیگران، برانگیخته‌نشدن هنگام روبه‌روشدن با مسأله (مایرز، ۱۳۸۶)
جان دیوئی ^۶	قضاوت معلق یا تردید سالم (نقد سازنده)، پرهیز از تعجیل در قضاوت (همان، ص ۱۵)
وولفولک ^۷	ارزیابی (وولفولک، ۲۰۰۱)
سیفرت ^۸	نگاهی تیزبینانه (سیفرت، ۱۹۹۱)
هالپرن ^۹	- افزایش احتمال دستیابی به بازده مطلوب با استفاده از استراتژی‌ها یا مهارت‌های شناختی، مرتبط با سطوح بالای طبقه‌بندی بلوم یعنی تحلیل و ترکیب و ارزیابی (هالپرن، ۱۹۹۸) - تفکری منطقی، منظم و هدف‌دار شامل حل مسئله، فرمول‌بندی نتایج، محاسبه احتمالات، تصمیم‌گیری (پاپاستفانو، ۲۰۰۴)
واتسون و گلیرز ^{۱۰}	توانایی استنباط، شناسایی مفروضات، استنتاج، تعبیر و تفسیر، ارزشیابی استدلال‌های منطقی (واتسون و گلیرز، ۱۹۸۰)
آندولینا	یافتن اطلاعات به‌طور قانونی و اخلاقی، و استفاده از آن‌ها (آندولینا، ۲۰۰۱، به نقل از ملکی، حبیبی‌پور، ۱۳۸۶)

- 1- Russell
- 2- Halonen
- 3- Fisher
- 4- Audi
- 5- Meyers
- 6- Dewey
- 7- Woolfoolk
- 8- Seifert
- 9- Halpern
- 10- Watson & Glaser

<p>وید</p>	<p>داشتن توانایی‌هایی مانند طرح پرسش (پرسشگری)، تعریف یک مسأله، بررسی شواهد و قرائن، تجزیه و تحلیل محفوظات و سوگیری‌ها، پرهیز از استدلال عاطفی، پرهیز از ساده‌سازی مسائل، توجه به سایر تفسیرها، پذیرش شک و تردید (شهابی، ۱۳۸۴)</p>
<p>بیر^۱</p>	<p>داشتن توانایی‌هایی مانند شک‌گرایی معقول، سعه صدر، آزاداندیشی، ارزش‌مداری، استدلال، پرسشگری، دقت و صراحت، توجه به جنبه‌های مختلف (تحلیلی‌بودن)، تغییر موقعیت و موضع فکری در صورت وجود دلایل صحیح (انعطاف‌پذیری)، فکر باز، احترام به شواهد و استدلال‌ها، ارزشیابی، استنباط، قضاوت و نتیجه‌گیری (شهابی، ۱۳۸۴؛ سنه، ۱۳۸۵)</p>
<p>رابرت انیس^۲</p>	<p>- گستردگی فکر (ذهن باز)، ایجاد موقعیت تازه یا تغییر موقعیت (انعطاف‌پذیری)، جستجوی «جایگزین»های متفاوت، جستجوی دلیل و مدرک، خارج‌نشدن از موضوع اصلی (ارنشتاین و هانکینس، ۱۳۷۳) - دقت در تجزیه و تحلیل مباحث، جستجوی شواهد ارزشمند، قضاوت و نتیجه‌گیری سالم، دوری از اغراض شخصی و ملزم به صراحت و دقت (انیس، ۱۹۸۵) - تشخیص اطلاعات مرتبط، اتخاذ راهبردهای مناسب برای یافتن اطلاعات، ارزیابی منابع اطلاعاتی، سازماندهی اطلاعات، قضاوت با معیار روشن، تحلیلی‌بودن (تجزیه و تحلیل)، طرح پرسش‌های مسئله‌برانگیز، استدلال، استفاده از روش منظم در بحث، احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها (حتی اگر مخالف باشند)، جستجوی فرضیه‌ها، صداقت و صراحت، خودآگاهی در مورد عقاید، علاقه‌مند به سعادت دیگران (همو، ۲۰۰۲) - تمایل به شفافیت در گفتگو، کل‌نگری و به‌حساب‌آوردن یک موقعیت کلی، جستجو و پیشنهاد دلایل، جستجوی راه‌های گوناگون و متنوع، موضع‌گیری و تغییر وضع با مدارک و دلایل کافی (انعطاف‌پذیری)، قضاوت درباره صحت نتیجه‌گیری‌ها، قضاوت درباره اعتبار مشاهدات، قضاوت درباره مفروضات (اسمیت و فرانک، ۱۹۹۲، ص ۹۷، به نقل از شعبانی، ۱۳۸۸، ص ۲۵) - استدلال و نگاهی تیزبینانه (انیس، ۱۹۸۵، ص ۴۶)</p>
<p>هانی</p>	<p>یادداشت‌برداری از مطالب مهم، بحث با دیگران و کشف مسائل با همفکری آن‌ها، یافتن ابهامات و ضعف مباحثه با دیگران، آزمودن فرضیات دیگران، تشخیص حقیقت از میان نظرهای شخصی، مطالعه و بررسی شواهد، نتیجه‌گیری از داده‌ها در تصمیم‌گیری‌هایی براساس حقیقت و نه احساسات، استفاده از اطلاعات جدید، مرور تصمیمات گذشته (بیرجندی و نائینی، ۱۳۸۶)</p>
<p>نیکرسون</p>	<p>سازماندهی و طبقه‌بندی افکار به‌شکلی آگاهانه و مرتبط، تمایز منطقی قائل شدن بین نتایج متغیرها و نامتغیرها، مسکوت‌گذاشتن قضاوت در نبود مدارک کافی، برای حمایت از اندیشه‌ها، تلاش برای پیش‌بینی نتایج محتمل بر سر دوراهی‌ها، توانایی یادگیری مستقل و شوق همیشگی برای انجام آن، حساس بودن به تفاوت بین باورهای گوناگون، تشخیص احتمال خطای نظر شخص: احتمال اشتباه در عقاید و خطر سبک و سنگین کردن وقایع با توجه به منافع شخصی (اسکیفرزمن، ۱۹۹۱).</p>
<p>لیپ و بیزلی</p>	<p>- تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنتاج، تشریح و خودنظم‌دهی (لیپ و بیزلی، ۲۰۰۴).</p>

- 1- Beyer
- 2- Ennis
- 3- Schafersman

ریچارد پائول ^۱	<p>- هنر اندیشیدن درباره تفکرات خود (کلن، ۱۹۹۵)</p> <p>- توانایی پذیرش مسئولیت پیامدهای تفکرات خویش (پائول، ۱۹۹۴)</p>
ریچارد پائول و لیندا الدر ^۲	<p>- با اهمیت پنداشتن تفکرات خود، توسعه عادات خاص درست‌اندیشیدن (پائول و الدر، ۲۰۰۰)</p> <p>- داشتن توانایی‌هایی مانند شفافیت، دقت، عمق، وسعت (گستره)، منطق، روشنی (بی‌طرفی) در تفکر (لیپ و بیلی، ۲۰۰۴)</p>
فاکون ^۴ و همکاران	<p>- پشتکار فوق‌العاده برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط به یک موضوع، انتخاب بر اساس دلایل مستدل، دارابودن روحیه کنجکاوی و کارآگاهی، محتاط و صادق در قضاوت، شفاف و مستدل در بحث (فاکون و دیگران، ۱۹۹۵)</p> <p>- قضاوتی خودتنظیمی برای دستیابی به تفسیر و تحلیل و ارزشیابی و استنباط به همراه تبیین مفهومی، کنجکاوی، ذهن باز، انعطاف‌پذیری، دوراندیشی در قضاوت، منصف و عادل در ارزشیابی، صداقت در عدم سوگیری شخصی، تمایل به بازبینی، دارای حسن ظن، شفافیت در مواجهه با مسائل پیچیده سازمان‌یافته، مستدل در انتخاب، پشتکار تا حصول به نتیجه (فاکون، ۱۹۹۰، ص ۱۳).</p>
فاکون ^۵ و همکاران	<p>- پشتکار فوق‌العاده برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط به یک موضوع، انتخاب بر اساس دلایل مستدل، دارابودن روحیه کنجکاوی و کارآگاهی، محتاط و صادق در قضاوت، شفاف و مستدل در بحث (فاکون و دیگران، ۱۹۹۵)</p> <p>- قضاوتی خودتنظیمی برای دستیابی به تفسیر و تحلیل و ارزشیابی و استنباط به همراه تبیین مفهومی، کنجکاوی، ذهن باز، انعطاف‌پذیری، دوراندیشی در قضاوت، منصف و عادل در ارزشیابی، صداقت در سوگیری‌های شخصی، تمایل به بازبینی، دارای حسن ظن، شفافیت در مواجهه با مسائل پیچیده سازمان‌یافته، مستدل در انتخاب، پشتکار تا حصول به نتیجه (فاکون، ۱۹۹۰، ص ۱۳).</p>
لیپمن ^۶	<p>- تخمین‌زدن، ارزشیابی، طبقه‌بندی کردن، فرض کردن، استنتاج منطقی، درک اصول، توجه به روابط متقابل، پیشنهاد با دلیل، قضاوت با معیار (لیپمن، ۱۹۹۶)</p> <p>- حرکت از تفکر بر پایه ملاک‌های ذهنی به سمت تفکر بر پایه ملاک‌های عینی، حرکت از حدس‌زدن به سمت تخمین‌زدن، حرکت از ترجیح‌دادن به سمت ارزشیابی کردن، حرکت از باورکردن به سمت فرض کردن، حرکت از توجه به ارتباطات به سمت توجه به روابط متقابل، حرکت از پیشنهاد بدون دلیل به سمت پیشنهاد با دلیل، حرکت از قضاوت بدون معیار به سمت قضاوت با معیار (ارنشتاین و هانتکینس، ۱۳۳۳).</p>
گن ^۷	<p>توانایی سمت‌وسوی فلسفی دادن به تفکر (کلن، ۱۹۹۵).</p>
کلارک و هولت ^۸	<p>داشتن توانایی‌هایی مانند ذهن باز، انعطاف‌پذیری، خودداری از رفتار جانبدارانه، تعقل در قضاوت کردن، بررسی دوباره، روشن‌اندیشی، نظم در موضوعات پیچیده، پشتکار در جستجوی اطلاعات مناسب، انتخاب مستدل (کلارک و هولت، ۲۰۰۱).</p>

- 1- Paul
- 2- Elder
- 3- Lip & Beasley
- 4- Facione
- 5- Facione
- 6- Lipman
- 7- Glen
- 8- Clark & Holt

چمستر و جانسون ^۱	داشتن توانایی‌هایی مانند کنجکاوی اندیشمندانه، عینت‌گرایی، گستردگی فکر (ذهن باز)، انعطاف‌پذیری، شک‌گرایی معقول، صداقت خردمندانه، روشمندبودن، استقامت و تلاش برای حل مشاجرات، احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها (چمستر و جانسون، ۱۹۹۶، ص ۶ و ۷؛ به نقل از ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶).
برک ^۲	تشخیص و مورد پرسش قراردادن فرض‌ها، آگاهی از شرایط حاکم بر موقعیتی که در آن عمل می‌کنید (یعنی فرهنگی که محیط بر زندگی شماست)، تصور و کشف گزینه‌های دیگر یعنی شیوه‌های جدید تفکر و عمل کردن، گسترش شک‌گرایی اندیشمندانه، اجتناب از پیش‌بینی آینده، توجه به تناقضات درونی یک بحث (برک، ۲۰۰۳).
هاروی سیگل ^۳	توانایی استدلال صحیح، تمایل ذاتی به تطبیق دادن قضاوت و عمل با قاعده کلی، ترکیبی غنی از تمایلات، عادات ذهنی، ارزش‌ها، ویژگی‌های شخصیتی و احساساتی (سیگل، ۱۹۹۸).
اسمیت ^۴	تشخیص دیدگاه‌های اساسی یک مسئله، مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌ها، تشخیص اطلاعات مربوط به یک مسئله، تشخیص عوامل احساسی، تبلیغاتی و مطالب جانبدارانه، پیش‌بینی نتایج احتمالی (اسمیت، ۱۹۹۲، ص ۶؛ به نقل از شعبانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴).
دورون و همکاران ^۵	توانایی فرد برای تحلیل و ارزشیابی اطلاعات، برانگیختن سؤالات اساسی، تنظیم صریح آن‌ها، جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات مرتبط، فکر کردن با ذهن باز، ارتباط اثربخش با دیگران (دورون و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از بیجنوند و همکاران، ۱۳۹۳، زیر چاپ).

با توجه به جدول، می‌توان مؤلفه‌های بسیاری برای تفکر انتقادی تبیین کرد. در اینجا مؤلفه‌هایی که صاحب‌نظران بیشتر بر آن‌ها تأکید کرده‌اند استخراج شده که با توجه به هم‌پوشانی تعدادی از آن‌ها در معنا و در نهایت، نه مؤلفه برای تحلیل محتوای قرآن کریم مشخص شده است که عبارت است از: پرسشگری، قضاوت با معیار روشن، استدلال، تجزیه و تحلیل، بی‌طرفی، روشمندی، عینیت‌گرایی، حقیقت‌جویی و انعطاف‌پذیری.

۲-۳. مصادیق تفکر انتقادی در قرآن کریم

در این بخش، با توجه به مؤلفه‌های مشخص شده برای تفکر انتقادی، به شناسایی مصادیق تفکر انتقادی در قرآن کریم پرداخته شده و پس از ذکر هر مؤلفه مصادیقی از آیات قرآن کریم برای تبیین آن مؤلفه آورده شده است. گفتنی است برای کیفیت‌بخشیدن به تبیین مصادیق مرتبط با مؤلفه‌ها، متخصصان مؤلفه‌ها و چپستی هریک از آن‌ها را به‌طور تخصصی بررسی کرده‌اند. در ادامه با

1- Johnson
2- Burke
3- Siegel
4- Smith
5- Duron

در نظر گرفتن ویژگی‌های هر مؤلفه به تبیین مصادیق پرداخته شده است، به نحوی که هر یک از مصادیق بیشترین ارتباط را با مؤلفه‌ها داشته باشد.

۱-۲-۳. پرسشگری

یکی از مهم‌ترین چیزهایی که در قرآن کریم بارها بر آن تأکید شده است، مهارت پرسشگری و تشوق به تفکر است که تقریباً در ۱۳۸ آیه از قرآن کریم بدان اشاره شده است. این گونه پرسشگری، بارها و بارها، در سوره مبارکه الرحمن: «الا ای جن و انس کدامین نعمت‌های خدایتان را انکار می‌کنید؟» تکرار شده است. همچنین در آیه‌های دیگری از جمله «و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند بنگری که همه رویشان سیاه شده است (رسوای خدا و خلق گردیدند) آیا متکبران را نه منزل در دوزخ است؟» (زمر: ۶۰)؛ «و آنان که آیات (آسمانی) ما و لقاء عالم آخرت را تکذیب کردند اعمالشان (که جز برای دنیا نبود) تباه و باطل شود، آیا جز آنچه می‌کردند کیفر بینند؟» (اعراف، ۱۴۷)؛ «آیا فکر و نظر در ملکوت آسمان‌ها و زمین و در هرچه خدا آفریده نکردند و در این که اجل و مرگ آن‌ها بسا باشد که به آنان بسیار نزدیک شده باشد؟ پس به چه حدیثی بعد از این (کتاب مبارک آسمانی) ایمان خواهند آورد؟» (اعراف، ۱۸۵)؛ «باز (این گوینده بهشتی به رفیقان) گوید: آیا می‌خواهید نظر کنید (و آن رفیق کافر را اینک در دوزخ بنگرید)؟» (صافات، ۵۴)'. سقراط اهمیت پرسش‌های عمیق را که موجب می‌شود انسان قبل از پذیرش ایده‌ای به تفکر درباره آن بپردازد و نیز اهمیت جستجوی شواهد، آزمایش دقیق، استدلال، فرضیه‌ها و تحلیل مفاهیم اساسی را نشان داد. روش او که اینک به «پرسش و پاسخ سقراطی» معروف است بهترین راهبرد آموزش تفکر انتقادی است که در آن سقراط نیاز به تفکر را برای روشنی و استحکام منطق به طور مشخص نشان می‌دهد. به طور کلی، تفکر انتقادی از زمان سقراط و روش «گفتگوی اکتشافی»^۲ وی با فلسفه در ارتباط است (جانسون، ۱۹۹۶).

۱- همچنین بسیاری نمونه‌های دیگر که به نام سوره و شماره آیه اشاره می‌شود: انعام، ۱۹، ۲۱، ۲۷، ۵۰، ۵۱، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۷ و ۱۵۷؛ رعد، ۱۶؛ زمر، ۹، ۲۹، ۳۳، ۳۸ و ۶۰؛ بقره، ۴۴، ۲۱۰، ۲۱۴ و ۲۳۶؛ نحل، ۳۳، ۷۵ و ۷۶؛ حدید، ۱۰ و ۱۶؛ هود: ۱۸ و ۲۴؛ حج، ۱۵ و ۱۸؛ توبه، ۱۹؛ سجده، ۱۸؛ عبس، ۱۸؛ مریه، ۶۵ و ۷۳ و ۹۸؛ یونس، ۱۷، ۲۴، ۲۵، ۵۲ و ۵۳؛ اعراف، ۵۳، ۵۳، ۳۷، ۱۴۷ و ۱۸۵؛ علق، ۱۳ و ۱۴؛ کهف، ۹، ۱۵ و ۶۶؛ عنکبوت، ۲، ۴ و ۸؛ جن، ۵؛ فرقان، ۱۷؛ نمل، ۸۴؛ غافر، ۲۸؛ جاثیه، ۶؛ نجم، ۵۵؛ مرسلات، ۵۰؛ حجرات، ۱۶؛ جاثیه، ۲۱؛ محمده، ۲۹؛ آل عمران، ۶۰، ۸۶ و ۱۴۲؛ فجر، ۵؛ زخرف، ۳۲؛ مائده، ۵۹؛ توبه، ۱۶، ۵۲ و ۱۲۷؛ یوسف، ۸؛ طه، ۹؛ انبیاء، ۳؛ شعراء، ۷۳، ۹۳، ۲۲۱ و ۲۰۳؛ نمل، ۶۰، ۹۰، روم، ۴۰؛ سبأ، ۱۷، ۸۱، ۳۳ و ۳۳؛ فاطر، ۳؛ صافات، ۵۴؛ ص، ۲۱؛ زخرف، ۶۶؛ ق، ۲۶؛ ذاریات، ۲۴؛ صف، ۱۰؛ انسان، ۱؛ نازعات، ۱۵ و ۱۸؛ بروج، ۱۷؛ غاشیبه، ۱؛ فجر، ۵؛ واقعه، ۷۳.

۳-۲-۲. قضاوت و ارزیابی با معیار روشن

تقریباً در پانزده آیه از قرآن کریم به طور مستقیم به این مؤلفه اشاره شده است، از جمله: «و اکثر این مردم جز از خیال و گمان باطل خود از چیزی پیروی نمی‌کنند در صورتی که گمان و خیالات موهوم هیچ از حق بی‌نیاز نمی‌گرداند (و به علم یقین نمی‌رساند) و خدا به هرچه این کافران می‌کنند آگاه است» (یونس، ۳۶)؛ «و (به یاد آر) هنگامی که خدا ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به جای آورد، خدا به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزینم: ابراهیم عرض کرد: به فرزندان من چه؟ فرمود: (اگر شایسته باشند می‌دهم)؛ زیرا عهد من به مردم ستمکار نخواهد رسید» (بقره، ۱۲۴)؛ «هرگز مؤمنانی که بدون عذر از جهاد بازنشستند با آنان که به مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود، خدا مجاهدان (فداکار) به مال و جان را بر بازنشستگان (از جهاد) بلندی و برتری بخشیده و همه (اهل ایمان) را وعده پاداش نیکو فرموده: و خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است» (نساء، ۹۵)؛ «خدا هیچ‌کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او، نیکی‌های هرکس به سود او و بدی‌هایش نیز به زیان خود اوست. پروردگارا، ما را بر آنچه به فراموشی یا به خطا کرده‌ایم مؤاخذه مکن. بار پروردگارا، تکلیف گران و طاقت‌فرسا که بر پیشینیان ما نهاده‌ای بر ما مگذار. پروردگارا، بار تکلیفی فوق طاقت ما بر دوش ما مینه و بیامرز و ببخش گناه ما را و بر ما رحمت فرما، تنها آقای ما و یاور ما تویی، پس ما را بر گروه کافران یاری فرما» (بقره، ۲۸۶) و بسیاری نمونه‌های دیگر که به نام سوره و شماره آیه اشاره می‌شود: (ال عمران، ۵۵؛ بقره، ۳۰، ۱۲۴، ۱۹۴ و ۲۸۶؛ نساء، ۲۰ و ۹۵؛ فاطر، ۱۹؛ حج، ۱۸؛ حجرات، ۱۲؛ انعام، ۹۹؛ توبه، ۷؛ کهف، ۶۸؛ مائده، ۱۰۴؛ یونس، ۳۶). تیواری^۱، در *دایره‌المعارف جامع آموزش و پرورش*، تفکر انتقادی را به معنای کاربرد دیدگاه‌ها و رویکردها، به جای پذیرش ساده و بدون ارزیابی قضاوت‌ها، نگرش‌ها و اطلاعات دیگران، تعریف کرده است (تیواری، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۲۲۲). بررسی لغت‌نامه‌های متفاوت برای یافتن تعریف مشترک از تفکر انتقادی نشان‌دهنده آن است که اغلب آن‌ها تفکر انتقادی را استفاده از ذهن برای قضاوت و ارزیابی دقیق و سنجیده در نظر می‌گیرند (نیکولز^۲، ۲۰۰۳). جان دیوئی در کتاب *چگونه فکر می‌کنیم* ماهیت و ذات تفکر انتقادی را «قضاوت معلق» یا «تردید سالم» (نقد سازنده)، و پرهیز از تعجیل در قضاوت تعریف می‌کند؛ به عبارت دیگر، او تفکر انتقادی را بررسی فعال، پایدار و دقیق هر عقیده یا دانش

1- Tiwari

2- Nichols

می‌داند (دیوبی، ۱۹۸۲، ص ۱۲۴). از این رو باید معیار و ملاک مشخصی در قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها مدنظر قرار داده شود.

۳-۲-۳. تأکید بر استدلال

تقریباً در سی آیه از قرآن کریم به‌طور مستقیم به این مؤلفه اشاره شده است، از جمله: «ندیده‌ای که پروردگار تو چگونه سایه را می‌کشد؟ اگر می‌خواست در یک جا ساکنش می‌گرداند. آن‌گاه آفتاب را بر او دلیل گردانیدیم» (فرقان، ۴۵)؛ «چگونه خداوند گروهی را که بعد از ایمان به خدا و گواهی‌دادن به راستی رسول او و بعد از ادله روشن باز کافر شدند، به راه راست هدایت کند؟ و خدا هرگز گروه ستمکاران را رهبری نخواهد کرد» (آل عمران، ۸۶)؛ «ای اهل ایمان، آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک (آخرت) نجات بخشد دلالت کند؟» (صف، ۱۰).^۱ انیس (۱۹۸۵) تفکر انتقادی را تفکر استدلالی و منطقی تعریف می‌کند که به قضاوت بر روی عقاید و اعمال ما متمرکز است. برونر^۲ (۱۹۸۴) یکی از صاحب‌نظران آموزشی است که تفکر انتقادی را فرایندی شناختی معرفی می‌کند که فرد در آن با بررسی دلایل به تصمیم‌گیری می‌پردازد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود استدلال کردن هم همیشه مد نظر دیدگاه‌های متفاوت بوده است و البته یکی از مبانی اساسی قرآن کریم است که همیشه در ظاهر و بطن آیاتش بر آن اشاره می‌کند.

۳-۲-۴. تجزیه و تحلیل

از دیگر مؤلفه‌های تفکر انتقادی تجزیه و تحلیل است که، علاوه بر این که در کل قرآن کریم مباحث به‌طور عمیق تحلیل می‌شود، چهارده بار به‌طور مستقیم در قرآن کریم به آن اشاره می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و اگر قرآنی بود که با (اعجاز بیان) آن کوه‌ها به رفتار می‌آمد و زمین از هم می‌شکافت و با مردگان سخن گفته می‌شد (همین قرآن با عظمت است که با وجود آن باز ایمان نمی‌آورند). بلکه فرمان همه عالم با خداست (هر چه خواهد به مشیت ازلی می‌کند) آیا مؤمنان هنوز ندانسته‌اند که خدا اگر بخواهد همه مردم را (به الزام و جبر) هدایت می‌کند؟ و (این نه

۱- همچنین بسیاری نمونه‌های دیگر که به نام سوره و شماره آیه اشاره می‌شود: فرقان، ۴۵؛ طه، ۴۰ و ۱۲۰؛ آل عمران، ۸۶؛ قصص، ۱۲، ۳۲ و ۷۵؛ صف، ۱۰؛ سبأ، ۱۴؛ یوسف، ۲۴؛ مؤمنون، ۱۱۷؛ نساء، ۱۰۹ و ۱۷۴؛ انبیاء، ۲۴؛ نمل، ۶۴؛ انفال، ۲۲؛ بقره، ۴۴، ۱۱۱ و ۱۲۴؛ زمر، ۹؛ نحل، ۱۲۵؛ غافر، ۵ و ۳۴؛ أنعام، ۵۰ و ۱۴۸ و ۱۵۸؛ جاثیه، ۶۰؛ مدثر، ۱۸

مصلحت است؛ زیرا باید) کافران پیوسته از کردار زشتشان به کیفر و سرکوبی رسند یا مصیبتی نزدیک دیار آنها فرود آید تا آن گاه که (در محشر هم) وعده خدا (بر هلاک آنها) فرا رسد، که خدا خلاف وعده نخواهد کرد» (رعد، ۳۱). سعه صدر از دیگر مؤلفه‌هایی است که در زمره مهارت‌های تفکر انتقادی جای می‌گیرد. در قرآن کریم نیز آمده است که «(ای رسول ما) تو هم مانند پیغمبران اولوالعزم (در تبلیغ دین خدا و تحمل اذیت امت) صبور باش و بر امت به عذاب تعجیل مکن تا روزی که آنچه وعده داده شده به چشم ببینند آن روز پندارند که (در دنیا) به جز ساعتی از روز درنگ نداشتند (این قرآن و آیات وعده و وعیدش) تبلیغ رسالت و اتمام حجتی است، پس آیا (به قیامت) جز مردم (شبهوت‌پرست) فاسق هیچ کس هلاک خواهد شد؟» (احقاف، ۳۵)^۱. تفکر وقتی انتقادی است که متفکر به دقت به تجزیه و تحلیل مباحث بپردازد و به نتایج سالم برسد (انیس، ۱۹۸۵). برونر (۱۹۸۴) تفکر انتقادی را یک فرایند شناختی معرفی می‌کند که فرد در این فرایند با تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده به نتیجه‌گیری می‌پردازد. تفکر انتقادی فرایندی^۲ تحلیلی است که به فرد امکان می‌دهد در میان وقایع مبهم و اطلاعاتی که وی را احاطه کرده است حقیقت را جستجو کند و به هدفش که رسیدن به کامل‌ترین درک ممکن است دست یابد (جانسون، ۲۰۰۲). با این تفاسیر، تفکر انتقادی به زبان خیلی ساده به توانایی فرد برای تحلیل اطلاعات گفته می‌شود.

۵-۲-۳. بی‌طرفی پیش از بررسی شواهد

یکی دیگر از مؤلفه‌ها بی‌طرفی و خودداری از رفتار جانبدارانه است که در پنج آیه از قرآن کریم به‌طور مستقیم به آن اشاره شده است: «ای اهل ایمان، چون یکی از شما را هنگام مرگ فرا رسید، برای وصیت خود دو شاهد عادل را گواه گیرید که از خودتان باشند، یا دو تن دیگر از غیر خودتان (از غیر مسلمانان) گواه گیرید. اگر در سفر به شما مصیبت مرگ رسد (و شاهد خودی نیابید) آن دو شاهد را نگاه دارید اگر از آنها بدگمانید، تا بعد از نماز سوگند خورند که ما برای شهادت خود هرگز بهایی نمی‌خواهیم هرچند شهادت بر خویشانمان باشد و گواهی خود را که به امر خداست کتمان نخواهیم کرد، که اگر کتمان شهادت کنیم البته از گنهکاران خواهیم بود» (مائده، ۱۰۶)؛ بسیاری از اندیشمندان

۱- همچنین نمونه‌های دیگر که به نام سوره و شماره آیه اشاره می‌شود: فرقان، ۳۳؛ بقره، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۳۰، ۲۳۶ و ۲۸۲؛ رعد، ۳۱؛ احقاف، ۱۷؛ نساء، ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶؛ مائده، ۴۵؛ نور، ۳۵

از جمله انیس (۱۹۸۵) هدف از آموزش تفکر انتقادی را تربیت انسان‌هایی می‌داند که از اغراض شخصی به دورند.

۳-۲-۶. انضباط و روشمندی

انضباط و روشمندی نیز از دیگر مؤلفه‌های تفکر انتقادی است که صاحب‌نظران مختلف بر آن تأکید کرده‌اند و نمود بارز آن در روش فلسفی دکارت دیده می‌شود (تقیب‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). قرآن کریم تقریباً در ده آیه به‌طور مستقیم به این مهارت اشاره می‌کند و می‌فرماید: وَ تَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ إِلَيْهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَ هُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا؛ «و گردش آفتاب را چنان مشاهده می‌کنی که هنگام طلوع از سمت راست غار آن‌ها برکنار و هنگام غروب نیز از جانب چپ ایشان به دور می‌گردد و آن‌ها در فضای گسترده غار قرار دارند (و کاملاً از حرارت خورشید در آسایش‌اند). این حکایت جوانمردان کهف یکی از آیات الهی است هرکس را خدا راهنمایی کند او به حقیقت هدایت یافته و هر که را در گمراهی واگذارد دیگر هرگز برای چنین کس هیچ یار راهنمایی نخواهی یافت» (کهف، ۱۷) و بسیاری نمونه‌های دیگر که به نام سوره و شماره آیه اشاره می‌شود (ق، ۱۰؛ کهف: ۱۷؛ أنعام، ۹۶ و ۹۹؛ ملک، ۳؛ نساء، ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶؛ بقره، ۱۹۴؛ مائده، ۴۵).

۳-۲-۷. عینیت‌گرایی (روشن‌اندیشی)

عینیت‌گرایی از آن جمله مؤلفه‌هایی است که ۳۸ بار در قرآن کریم به آن اشاره مستقیم شده است، از جمله: «بگو (ای پیغمبر)، آیا شما را آگاه سازم که کدام قوم را نزد خدا بدترین پاداش است؟ کسانی که خدا بر آن‌ها لعن و غضب کرده و برخی از آنان را به بوزینه و خوک مسخ کرده و آن کس که بندگی طاغوت (شیطان) کرده. این گروه را (نزد خدا) بدترین منزلت است و آن‌ها گمراه‌ترین مردم از راه راست‌اند» (مائده، ۶۰). «خدا برای (هدایت) شما هم از عالم خود شما مثالی زد، آیا هیچ‌یک از غلام و کنیزان ملکی شما در آنچه (از مال و حقوق و مقام) که ما روزی شما گردانیدیم با شما شریک هستند تا شما و آن‌ها در آن چیز بی‌هیچ مزیت مساوی باشید و همان قدر بی‌می که شما از یکدیگر دارید هم از آنان دارید؟ (هرگز ندارید و هیچ آن‌ها را شریک و مساوی با خود نمی‌دانید پس چگونه مخلوقات مملوک خدا را شریک خدا گرفته و معبود خود می‌گردانید؟) ما چنین مفصل و روشن

آیات خود را برای مردم با عقل و هوش بیان می‌کنیم» (روم، ۲۸)^۱. اغلب فیلسوفان در صحبت از ذهنیت فلسفی و تفکر انتقادی درباره روشن‌اندیشی و شفافیت سخن می‌گویند، چنان‌که افلاطون فلسفه و تفکر فلسفی و به‌تبع آن تفکر انتقادی را روشن‌اندیشی (ویل دورانت، ۱۳۸۰) می‌داند و دکارت نیز در روش فلسفی خود خودداری از شتابزدگی و رهایی از پیش‌داوری و پذیرفتن آنچه را روشن به اندیشه درآید در اولویت کار خود قرار می‌دهد (تقیب‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲).

۳-۲-۸. حقیقت‌جویی

در هفده آیه از قرآن کریم به‌طور مستقیم به مؤلفه حقیقت‌جویی اشاره می‌شود، از جمله: «و هرگز (جاهل) نابینا و شخص (عالم) بینا یکسان نیستند و هم آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند (نزد خدا) با (کافران) بدکردار مساوی (در درجات آخرت) نیستند، لیکن بسیار کم این حقیقت را متذکر می‌شوید» (غافر، ۵۸)؛ «آنچه (در غیب عالم) دید دلش هم به حقیقت یافت و کذب و خیال نپنداشت» (نجم، ۱۱)^۲. فیلسوفان بر یافتن حقیقت تأکید می‌کنند و آن را ویژگی تفکر نقادانه می‌دانند، چنان‌که سقراط بر بررسی خود و دیگران برای جستجوی حکمت (شاقول و محسنی، ۱۳۸۸) تأکید می‌کند و افلاطون نیز فلسفه را رسیدن به ذات و حقیقت چیزها می‌داند (تقیب‌زاده، ۱۳۸۱).

۳-۲-۹. انعطاف‌پذیری

انعطاف‌پذیری از جمله مؤلفه‌های تفکر انتقادی است که قرآن کریم در ۱۱ آیه بدان اشاره کرده است. پروردگار متعال می‌فرماید: «ای اهل ایمان، هرگز در حال مستی به نماز نیایید تا بدانید چه می‌گویید (و چه می‌کنید) و نه در حال جنابت (به مساجد آید) مگر آنکه رهگذر باشید تا وقتی که غسل کنید و اگر بیمار بودید یا آنکه در سفر باشید یا قضاء حاجتی دست داده باشد یا با زنان مباشرت کرده‌اید و آب برای تطهیر و غسل نیافتید پس به خاک پاک تیمم کنید، آن‌گاه صورت و دست‌ها را (بدان) مسح کنید، که خدا بخشنده و آمرزنده است» (نساء: ۴۳)؛ «ای اهل ایمان، چون خواهید برای نماز برخیزید صورت و دست‌ها را تا مرفق (آرنج) بشویید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید، و

۱- همچنین بسیاری نمونه‌های دیگر که به نام سوره و شماره آیه اشاره می‌شود: آل‌عمران، ۵۵؛ مائده، ۴۵ و ۶۰؛ روم، ۲۸؛ زمر، ۹ و ۲۹؛ انعام، ۵۰؛ هود، ۲۴؛ نحل، ۱۰، ۷۵ و ۷۶؛ فاطر، ۱؛ انبیاء، ۳؛ نساء، ۱۱-۱۲، ۱۲۳ و ۱۷۶؛ دخان، ۲۵ و ۴۳؛ جمعه، ۱۱؛ بقره، ۲۸۲ و ۱۹۴؛ رحمن، ۴۶ و ۶۲؛ کهف، ۲۲، ۳۵ و ۴۰؛ سبأ، ۱۵ و ۱۶؛ واقعه، ۵۲؛ مؤمنون، ۲۰؛ صافات، ۶۳، ۶۴ و ۱۴۶؛ نور، ۳۵ و ۴۰؛ لقمان، ۲۷؛ نمل، ۶۰.
۲- همچنین بسیاری نمونه‌های دیگر که به نام سوره و شماره آیه اشاره می‌شود: غافر، ۵۸؛ مائده، ۱۰۰؛ کهف، ۱۲ و ۲۱؛ یونس، ۵۳؛ غاشیة، ۲۵؛ نجم، ۱۱؛ توبه، ۴۳؛ انعام، ۹۱؛ رعد، ۸؛ ق، ۱۹؛ واقعه، ۹۵؛ قصص، ۱۳؛ لقمان، ۳۳؛ اعراف، ۴۴.

اگر جُنب هستید پاکیزه شوید (غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافرید یا یکی از شما را قضاء حاجتی دست داده و یا با زنان مباشرت کرده‌اید و آب نیابید در این صورت به خاک پاک و پاکیزه‌ای روی آرید و به آن خاک صورت و دست‌ها را مسح کنید (تیمم کنید). خدا نمی‌خواهد هیچ‌گونه سختی برای شما قرار دهد، ولیکن می‌خواهد تا شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند، باشد که شکر او به جای آرید» (مائده، ۶).^۱

بنا بر این یافته‌ها، این کتاب انسان‌ساز مصادیق بی‌شماری برای اندیشه و تفکر انتقادی دارد که با استنتاج و بهره‌گیری از آن می‌توان نظام تعلیم و تربیت را سرشار از آموزه‌های اسلامی کرد و انسان را به سمت سعادت بیشتر سوق داد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اظهارات مطرح‌شده درباره تفکر انتقادی، می‌توان گفت که تفکر انتقادی نقدکردن صرف نیست. همچنین منظور از کلمه انتقاد، در این جا، نگاهی گله‌مندانه و شکایت‌آمیز نیست، بلکه نگاهی تیزبینانه^۲ است (سیف، ۱۳۷۹، ص ۵۵۰). این در حالی است که کلمه انتقاد اغلب همان معنای نقدکردن را به ذهن شنونده متبادر می‌کند و درخصوص یک ایده، نظریه یا عمل حالتی ناخوشایند به او القا می‌کند. اگر از واژه/انتقادی در معنای مذکور استفاده شود، آن‌گاه به تفکر انتقادی به مثابه یک ارزیابی غیرسازنده نگریسته می‌شود (آندولینا، ۲۰۰۱). متفکر انتقادی پرسش‌های اساسی را برمی‌انگیزد، آن‌ها را آشکارا تنظیم می‌کند، به جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات مرتبط می‌پردازد، از ایده‌های انتزاعی استفاده می‌کند، با ذهن باز فکر می‌کند و با دیگران به‌طور اثربخش ارتباط برقرار می‌کند. نگاه متفکران غیرانتقادی به دنیا خودمحور است، پرسش‌ها را با بلی و خیر پاسخ می‌دهند، دیدگاه خود را یگانه دیدگاه معقول می‌پندارند و واقعیت‌های ذهنی خود را یگانه واقعیت‌های موجود فرض می‌کنند (دورون و همکاران، ۲۰۰۶).

در این پژوهش نه مؤلفه پرسشگری، قضاوت با معیار، استدلال، تجزیه و تحلیل، بی‌طرفی، روشمندی، عینیت‌گرایی، حقیقت‌جویی و انعطاف‌پذیری برای تفکر انتقادی تبیین شد که با پژوهش‌های هاشمیان‌نژاد (۱۳۸۰)، نوشادی (۱۳۸۷)، بدری گرگری و فتحی آذر (۱۳۸۶)، فاکون (۱۹۹۰)، و ریچارد

۱- و نمونه‌های دیگر که به نام سوره و شماره آیه اشاره می‌شود: بقره، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۲۲ و ۲۲۵؛ نساء، ۳، ۲۴، ۳۱ و ۴۳؛ مائده، ۶

پائول و لیندا الدر (۲۰۰۱) همخوانی دارد. دلیل این همخوانی این است که دربردارنده مؤلفه‌های مطرح‌شده در پژوهش‌های مذکور است و افزون بر این مؤلفه‌هایی همچون روشمندی و انعطاف‌پذیری را به آن‌ها افزوده است. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم با تفکر انتقادی بیگانه نیست و تفکر انتقادی به‌نوعی در همه آیات آن نمود دارد. در ابتدا به‌نظر می‌رسد که فقط آیات و عبارات خاصی به اهمیت رشد این مهارت‌ها می‌پردازند، اما با انس بیشتر با قرآن کریم درمی‌یابیم که همه آیات حتی هر عبارت "بسم الله الرحمن الرحيم" عامل ایجاد تفکر است. قرآن کریم همه را دارای عقل و فکر و حواس می‌داند، اما افرادی را که از عقل و فکر خود استفاده نمی‌کنند سرزنش می‌کند و علت آن را غفلت و بی‌توجهی ذکر می‌کند: «آن‌ها دل‌هایی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آن‌ها همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند!)» (اعراف، ۱۷۶). درمقابل، ارزش و اهمیتی که برای اندیشمندان قائل شده، درخور توجه و دقت است. آنان را افرادی دارای مغزهای پر استفاده و کارآمد (بقره، ۱۷۹، ۱۹۷ و آل عمران، ۷ و ۱۹۰؛ مائده، ۱۰۰؛ یوسف، ۱۱۱؛ رعد، ۱۹)، و روحیه‌ای خودکنترل (طه، ۵۴ و ۱۲۸)، که دست و زبان به هر عمل و سخنی دراز نمی‌کنند و صاحبان چشم بینا و دقیق (آل عمران، ۱۳؛ نور، ۴۴) می‌داند. همگی این موارد مصادیقی از تفکر و به‌ویژه تفکر انتقادی است. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم بر مؤلفه پرسشگری، بیش از سایر مؤلفه‌ها، تأکید می‌کند که البته دور از انتظار هم نیست، زیرا این خود حاکی از پرسش بشر از چیستی و چرایی و چگونگی خود و جهان بیرون از خود است. به‌عبارت دیگر، قرآن کریم دین اسلام را با زور و تهدید نمی‌قبولاند، بلکه با پرسشگری و تأمل و رضایت درونی است که ضمیر آدمی پذیرای آن می‌شود.

صاحب‌نظران زیادی از قابل آموزش بودن تفکر انتقادی حمایت کرده‌اند. فاکون و دیگران (۲۰۰۱) در یک پژوهش گسترده، در مورد بیش از ۱۱۰۰ دانشجوی دانشگاه، ثابت کردند که مهارت‌های تفکر انتقادی قابل یادگیری است. والش و پائول (۱۹۹۸) بیان می‌دارند که تفکر انتقادی مهارتی است که ممکن است در افراد رشد کند، اما، به هر حال، چیزی نیست که ضرورتاً با رشد افراد ایجاد شود، بلکه باید آموزش داده شود. با توجه به اهمیت تفکر انتقادی در دنیای متحول کنونی (پائول، ۱۹۹۲؛ هالپرن، ۱۹۹۸؛ دام و ولمن، ۲۰۰۴؛ گیلفورد و دیگران، ۲۰۰۴؛ هانتچر و اسپنسر، ۲۰۰۵)، فقدان مهارت تفکر انتقادی در فراگیران (احمدی، ۱۳۸۰؛ بابامحمدی و خلیلی، ۱۳۸۳؛ بهمنی و دیگران، ۱۳۸۴)، امکان آموزش و یادگیری

مهارت‌های تفکر انتقادی^۱ (پاسکارلا و ترنرینی، ۱۹۹۱)، و همچنین با توجه به تأکید قرآن کریم بر تفکر انتقادی و اهمیت قرآن کریم، به‌عنوان غنی‌ترین متن دینی و تأثیرگذار بر نظام تعلیم و تربیت جامعه ما، به جرئت می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاکی از آن است که آموزش قرآن کریم، از هر دو جنبه معنایی و مفهومی آن، برای پرورش تفکر انتقادی و بصیرت دینی راهکار مناسبی است. فرهنگ‌سازی در جهت ترویج روحیه قرآن‌خوانی و درک معنا و مفهوم آن نه‌تنها باید جزء لاینفک نظام تعلیم و تربیت رسمی باشد بلکه باید محیط خانه و خانواده را برای پذیراشدن آن آماده کرد. در این زمینه، به مدیران و مجریان نظام تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌شود که، اولاً، در ابتدای فصول و دروس همه کتاب‌ها، در همه مقاطع تحصیلی، مصادیقی از تفکر انتقادی در قرآن کریم را قرار دهند، ثانیاً، در برخی از کتاب‌های مدارس مانند دین و زندگی، مهارت‌های زندگی، ادبیات فارسی و همچنین برخی از کتاب‌های دانشگاهی از جمله رشته‌های حقوق، فلسفه، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و علوم پزشکی، به‌طور مستقیم مثال‌هایی از آیات قرآن با مصداق تفکر انتقادی آورده شود تا مدرسان و فراگیران به بحث و بررسی در این زمینه ترغیب شوند.

۱- کارابنیک و کولینز، ۱۹۹۶؛ ریستو، ۱۹۸۸؛ تینجالا، ۱۹۹۸؛ دنیک و آکسلی، ۱۹۹۸؛ فاکسون و دیگران، ۲۰۰۱؛ یانگ بلود و بیتز، ۲۰۰۱؛ لیو، ۲۰۰۱؛ اسپورگن و باون، ۲۰۰۲؛ تام و ولمن، ۲۰۰۴؛ جلالی و دیگران، ۲۰۰۴؛ باوم برگز، ۲۰۰۵؛ وان گلدر، ۲۰۰۵؛ سیف، ۱۳۷۹؛ لرج و دیگران، ۲۰۰۶؛ چاپرما، ۲۰۰۷؛ رانزدل و گایلاردکنی، ۲۰۰۹؛ کاووس و اوزون بویلو، ۲۰۰۹؛ بیلینگر و هالسنده، ۲۰۰۹؛ شعبانی، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳؛ معطری، ۱۳۸۰؛ اسلامی، ۱۳۸۲؛ بدری گرگری و فتحی آذر، ۱۳۸۶

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۶)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، انتشارات بنیاد قرآن و عترت احمدی، غلامعلی (۱۳۸۰)، «کاربرد روش حل مسأله در آموزش علوم»، فصلنامه تعلیم و تربیت، س ۱۷، ش ۱، ص ۴۶-۱۱
- ارنشتاین، آلن سی و فرانسیس بی. هانکینس (۱۳۷۳)، *مبانی فلسفی، روان‌شناختی و اجتماعی برنامه درسی*، ترجمه سیاوش خلیلی شورینی، تهران یادواره کتاب اسلامی، محسن (۱۳۸۲)، *ارائه الگویی برای طراحی و اجرای برنامه خواندن انتقادی و بررسی اثر آن بر تفکر انتقادی و نوشتن تحلیلی*، رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تربیت معلم
- بابامحمدی، حسن و حسین خلیلی (۱۳۸۳)، «مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان»، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۴، ش ۱۲، ص ۲۳-۲۹
- بختیار نصرآبادی، حسن علی و دیگران (۱۳۸۹)، «تبیین متغیرهای ادراکی تفکر انتقادی و بعد شناختی پیشرفت تحصیلی»، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۶، ش ۲، ص ۷۵-۹۰
- بدری گرگری، رحیم و فتحی آذر، اسکندر (۱۳۸۶)، «مقایسه تأثیر یادگیری مبتنی بر حل مسأله گروهی و آموزش سنتی بر تفکر انتقادی دانشجومعلمان»، *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، س ۸، ش ۲، ص ۲۷-۴۲
- بهمنی، فرود و دیگران (۱۳۸۴)، «مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان»، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۵، ش ۲، ص ۴۱-۴۵
- بیجنوند، فرامرز (۱۳۹۰)، *تبیین مؤلفه‌های تفکر انتقادی و بررسی رابطه‌ی آن با تولید علم در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۸۹ و ارائه راهکارها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد تهران
- بیجنوند، فرامرز و دیگران (۱۳۹۳)، «تحلیل مفهوم تفکر انتقادی و تبیین روش‌های پرورش آن با تأکید بر آموزش عالی»، *فصلنامه تدریس پژوهی دانشگاه کردستان*، س ۱، ش ۱، زیر چاپ
- بیرجندی، پرویز و ژیلا نائینی (۱۳۸۶)، «تأثیر روش همیاری بر تفکر انتقادی زبان آموزان ایرانی»، *تدریس زبان خارجی*، دوره ۲۲، ش ۱، ص ۱۰-۱۵

جلالی، شیدا و کامبیز پوشنه و مهدی دواپی (۱۳۸۲)، «بررسی تأثیر مهارت‌های تفکر انتقادی مدرسین در استفاده از راهبردهای آموزشی دانشجویمدار در تدریس دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد تهران ۱۳۸۱»، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۳، ش ۱۰، ص ۳۹ و ۴۰

دبونو، ادوارد (۱۳۸۴)، *به فرزندان خود روش فکر کردن بیاموزید*، ترجمه عبدالمهدی ریاضی، چاپ ۳، تهران، انتشارات پیک بهار
 دوران، ویل (۱۳۸۰)، *تاریخ فلسفه*، ترجمه عباس زریاب، ج ۱۶، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی

دیناروند، حسن و محسن ایمانی (۱۳۸۷)، «تبیین نظریه انتقادی، تعلیم و تربیت انتقادی و دلالت‌های آن از منظر فریره و ژيرو و نقد آن»، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۴، ش ۳، صص ۱۴۵-۱۷۶

سنه، افسانه (۱۳۸۵)، «راهبردهای آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی»، *معلم*، دوره ۲۲، صص ۲۱-۲۴
 سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، *روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش)*، تهران انتشارات آگاه
 شاقول، یوسف و اعظم محسنی (۱۳۸۸)، «تفکر انتقادی با تأکید بر انقلاب کپرنیکی کانت»، *مجله پژوهش علوم انسانی*، س ۱۰، ش ۲۶، صص ۲۶۷-۲۸۴

شریعتمداری، علی (۱۳۷۸)، *روانشناسی تربیتی*، تهران انتشارات امیرکبیر
 شعبانی، حسن (۱۳۷۸)، *تأثیر روش حل مسأله به صورت کار گروهی بر روی تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی شهر تهران*، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران

_____ (۱۳۸۳)، *روش تدریس پیشرفته*، تهران انتشارات سمت
 شهابی، محمود (۱۳۸۴)، «تفکر انتقادی و آموزش انتقادی»، *آموزش علوم اجتماعی*، دوره ۸، ش ۴، صص ۱۰-۱۶

عباسی یادکوری، مروارید (۱۳۸۱)، *بررسی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی مقطع متوسطه در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی بر مبنای دیدگاه اجتماعی برنامه درسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

کاسیرر، ارنست (۱۳۷۰)، *فلسفه روشنگری*، ترجمه یدالله موفق، تهران انتشارات نیلوفر
 مایرز، چت (۱۳۸۶)، *آموزش تفکر انتقادی*، ترجمه خدایار ایبلی، تهران انتشارات سمت

- معروفی، یحیی و سید محمد شبیری و محمد یعقوبی (۱۳۸۸)، «جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه»، مجله پژوهش علوم انسانی، س ۱۰، ش ۲۶، ص ۲۴۹-۲۶۵
- معطری، مرضیه و دیگران (۱۳۸۰)، «تأثیر بازاندیشی بر مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری تبریز»، مجله آموزش در علوم پزشکی، دوره ۱، ش ۴، صص ۵۵-۶۰
- ملکی، حسن و مجید حبیبی‌پور (۱۳۸۶)، «پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، س ۶، ش ۱۹، ص ۹۳-۱۰۸
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۷)، *درآمدی به فلسفه*، چاپ ۱۰، تهران، انتشارات طهوری
- _____ (۱۳۸۵)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، چاپ ۱۹، تهران، انتشارات طهوری
- _____ (۱۳۸۱)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، چاپ ۱۵، تهران، انتشارات طهوری
- نوشادی، ناصر (۱۳۸۷)، «بررسی گرایش دانشجویان رشته‌های علوم انسانی به تفکر انتقادی، ارائه چارچوب مفهومی برای پرورش تفکر انتقادی دانشجویان علوم انسانی»، مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- هاشمیان‌نژاد، فریده (۱۳۸۰)، *ارائه چهارچوب نظری در خصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تأکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی*، رساله دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

- Andolina, M.(2001), *Critical thinking for working students*, Columbia :Delmar press
- Audi, R.(2002), *Philosophy: the value of philosophy*, NewYork:The american philosophical association
- Baumberger-Henry, R. N.(2005), "Cooperative learning and case study: Does the combination improve students", *Nurse Education Today*, 25(3), P.238-246
- Billings Diane, M. & Halsted Judith, A. (2009), *Teaching in nursing A guide for faculty*, St Louis: Saunders Co
- Brunner, J. (1984), "Critical thinking in teacher education: Towards a demythologization", *Journal of teacher education*, 40(3), P. 14-19

- Burke, C. G. (2003), *What is critical thinking*, available at: <http://www.usc.edu/schools/sppd/private/documents/doctoral/resources/criticalthinking.pdf>.2014
- Cavus, N. & Uzunboylu, H. (2009), "Improving critical thinking skills in mobile learning", *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 1 (1), P. 434-438
- Chirema, K. (2007), "The use of reflective journals in the promotion of reflection and learning in post-registration nursing students", *Nurse Education Today*, 27(3), P. 192-202
- Clark, D. & Holt, J. (2001), "Strategies to overcome obstacles in the facilitation", *Critical thinking in nursing education*, 25, P.291-298
- Dam, G.T. & Voloman, M. (2004), "Critical thinking as a citizenship competence, teaching strategies", *Learning and instruction*, 14, P. 359-379
- Dennick, R.G. & Exley, k.(1998), "Teaching and learning in groups and teams", *Biochemical Education*, 26, P. 111-115
- Dewey, J. (1982), *How do we think*, Mass: Heath originally published
- Duron, R & Et al. (2006), "Critical thinking framework for any Disciplineinternational", *Journal of teaching and learning in higher education*,17(2), P.160-166
- Ennis, R.H (1985), "A logical basis for measuring critical thinking skills", *Educational leadership*, 43, pp. 44-48.
- Ennis, R.h. (2002), *An outline of goals for a critical thinking curriculum and its assessment*, available at:<http://faculty.ed.uiuc.edu/rhennis>.2014
- Facione, P. A. & Giancarlo,C. A. & Facione, N. C. & Gainen, J.(1995), "The disposition toward critical thinking. *Journal of General Education*" , 44(1), P.1-25
- Facione. P.A. (1990), *Critical thinking: A statement of expert consensus for purposes of educational assessment and instruction*, Newyork: The American philosophical association

- Fisher, A. (2001), *Critical thinking:an introduction*, The university press of Cambridge, [http:// www. cambridge.org](http://www.cambridge.org)
- Glen, S. (1995), “Developing critical thinking in higher education”, *Nurse education today*, 15, P. 170-176
- Glifford, J. & Et al. (2004), “Personality traits and critical thinking skillsin college students, emprical tests of a two –factor theory”, *SAGE journals online and highwire press platforms*,11(9), P. 169-176
- Halonen, J. S. (1995), “Demystifying critical thinking, *teaching of psycholog*”, 22, P.75-81
- Halpern, D. F. (1996), “Teaching critical thining for transfer across domains”, *American psychologist*,53, P. 449-455
- Hatcher, D. L. & Spencer, L. A. (2005), *Reasoning and writing: from criticalthinking to composition*, Boston: American press
- Johns, E. B. (2002), *Contextual teaching and learning: what it is and why its here to stay*, United kingdom: Corwin press
- Johnson, R. H. (1996), *The rise of informal logic*, VA: Vale press
- Karabenick, S. & Collins-Eaglin, J. (1996), “Relation of perceived instructional goals and incentives to college student's use of learning strategies”, *The Journal of Experimental Education*, 65, P. 331-341
- Lerch, C. & Bilics, A. & Colley, B. (2006), *Using reflection to develop higher order processes*, Paper Presented at the Annual Meeting of American Education Research Association
- Liou, H. C. (2001), “Reflective practice in a pre-service teacher education”, *System*, 29, P.197-208
- Lip, K.S. & Beasley, S. (2004), *Critical thinking in nursing*, A cognitive skills workbook, Philadelphia: Lipincott Williams & Wilkins.
- Lipman, M. (1996), *Philosophy go to school*, Philadelphia: Temple university press
- Nichols, M. (2003), *Critical thinking process*, available: [http// www. Netce.Com/ course. Asp? Course=319.2014](http://www.Netce.Com/course.Asp? Course=319.2014)

- Papastephanlou, M.(2004), “Educational critique, critical thinking and the critical philosophical traditions”, *Journal of philosophy of education*, 38, P.370-377
- Pascarella, E. & Terenzini, P. (1991), *How college enty years of research*, San Francisco: Jossey Bass
- Paul, R. & Elder, L. (2000), “Critical thinking: the path to responsible citizenship”, *high school magazine*, 7(8), P.10-15
- Paul, R. & Elder, L.(2001), *The miniature guide to critical thinking concepts and tools*, Dillon Beach: Foundation for Critical ThinkingPress
- Paul, R. C. (1994), *Teaching critical thinking in the strong sense*, in K.S Walters(ed), *Re-thinking reason: new perspectives in critical thinking*, (pp.181-198), Albany: suny
- Paul, R. C.(1992), *Critical thinking: what every person needs to survive in a rapidly changing world*, Santa Rosa, CA: Foundation for critical thinking
- Ransdell, S. & Gaillard-Kenny, S. (2009), “Blended learning environments, Active Participation, and Student Success”, *The Internet Journal of Allied Health Sciences and Practice*, [serial online]; 7.(1). Available from:<http://ijahsp.nova.edu/articles/Vol7Num1/pdf/Ransdell.pdf>. 2014
- Ristow, R. S. (1988), “The teaching of thinking skills: Does it improve creativity”, *Gifted Child Today*, 11(2), P. 44-46
- Schafersman, S .D.(1991), *An introduction to critical thinking*, Retrieved from: <http://smartcollegeplanning.org/wp-content/uploads/2010/03/critical.thinking.pdf>(August10, 2011)
- Seifert, K. L. (1991), *Educational psychology*, Boston: Houghton mifflin
- Siegel, H. (1998), *Educating reason: rationality , critical thinking and education*, newYork: rutledge.
- Sporgeon, S. & Bawen, J. L. (2002), *Digital video/ multimedia portfolis as a tool to develop reflective teacher*, National Computing

- Conference Proceeding ([http://Confreg. Uoregon. Edu/ Ness 2002/](http://Confreg.Uoregon.Edu/Ness2002/))
- Tiwari, D.(2008), *Encyclopaedic dictionary education*, Crescent publishing corporation
- Tynjala, P.(1998), “Traditional studing for examination versus constructivist learning tasks”, *Studies in Higher Education*, 21, P.185-200
- Van Gelder, T. J. (2005), “Teaching critical thinking: Some lessons from cognitive science”, *College Teaching*, 45, P. 1-6
- Walsh, D. & Pual, R. (1988), *The goal of critical thinking:from educational ideal to educational reality*, Washington, D.C.: American Federation of Teachers
- Watson, G. B. & Glaser, E. M. (1980), *Watson&glaser critical thinking appraisal manual, forms A and B*, san antonio: Psychological corporation
- Woolfoolk, A. E.(1995), *Teaching critical thinking and skills, educational psychology*, Boston: allyn and bacan
- Youn,. B. & Beitz (2001), “Developing critical thinking with active learning strategies”, *Journal Nurse Educatore*, 26(1), P.39-42